

«یا اهل بهاء، قوه متفکره مخزن صنایع و علوم  
و فنون است. جهد نمایند تا از این معدن  
حقیقی لئالی حکمت و بیان ظاهر شود و سبب  
آسایش و اتحاد احزاب مختلفه عالم گردد.»  
(حضرت بهاء الله، کلمات فردوسیّه)

## هنر، شاهراهی به سوی وحدت جهانی

### مناخادمی

امسال که دهمین سال تشکیل این انجمن می‌باشد، این افتخار نصیب من گشته که در زمره سخنگویان مجمعی باشم که به یادبود جناب فیضی محبوب منعقد شده؛ شخصی که عشق و علاقه‌اش به هنر و بخصوص به هنر خطاطی در تمامی طول زندگیش حدّ و مرزی نمی‌شناخت و زندگی افراد بی‌شماری را تحت تأثیر قرار داد که یکی از آنها من هستم و خوشوقتم که در جمع ما از خاندان فیضی، گلوریا خانم و نیسان بسیار عزیز، و همچنین یکی از عزیزترین افرادی که من می‌شناسم جناب فتح اعظم حضور دارند.

سخن امروز در باره اهمیت هنر است و اینکه چطور از هنر می‌توان به عنوان وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن به تفاهم جهانی استفاده نمود. همچنین در این سخنرانی به برنامه‌های مبادلات فرهنگی و هنری اشاره خواهم کرد و در این زمینه از چند مثال استفاده خواهم نمود و سخنانم را با چند پیشنهاد خاتمه خواهم داد.<sup>۱</sup>

### ارزش هنر

چارلز داروین دانشمند نامدار طبیعی در سنین کهنسالی به این نکته اعتراف کرد که در طول زندگی خود از کسب غنای هنری محروم بوده است. وی این مطلب را در شرح حال خود قید نموده که اگر یک بار دیگر می‌توانست به دنیا بیاید لا اقل هفته‌ای یک بار را حتماً به خواندن شعر و گوش دادن به موسیقی اختصاص می‌داد.<sup>۲</sup> بنا بر عقیده وی تجربه‌های هنری "مجموعه احساسات" آدمی را توسعه

می‌دهد و لطافت می‌بخشد. همان‌طور که می‌دانید از دید دیانت بهائی هنر نوعی عبادت محسوب می‌شود.<sup>۳</sup> حضرت عبدالبهاء مکرراً اشاره می‌فرمایند که هنر موهبت روح القدس است،<sup>۴</sup> و در فراگیری آن تأکید فراوان می‌فرمایند.<sup>۵</sup>

در زندگی انسان هنر از اهمیّت والائی برخوردار است زیرا که «ما را به تاریخ ربط می‌دهد»<sup>۶</sup> هنر در عین حال که نسل جدید را به نسل‌های قبل متصل می‌سازد، عاملی است برای تغییر، چرا که ملاحظات کهن را با دیدی نوین می‌نگرد و تعبیرات جدیدی برای عقاید معمول و آشنا ارائه می‌نماید. بشر با اتکای به هنر قادر است به کمال بلوغ انسانی نائل آید.

هنر دو جنبه دارد، جنبه اول ارزش ذاتی و درونی آن که از هنر به خاطر خود هنر باید لذت برد چرا که منافع آن از هیچ طریق دیگری در دسترس انسان قرار نمی‌گیرد. جنبه دیگر جنبه بیرونی و فایده‌ی آن می‌باشد که توسط آن می‌توان به مقاصد مختلفی نائل آمد. به طور مثال از هنرهای گوناگون می‌توان در پیشبرد اقتصاد، در تعلیم و تربیت، در هنر درمانی، در شفای امراض لاعلاج، در اشاعه روحانیات، به عنوان عامل تغییر و حتی برای تبلیغ دیانت استفاده کرد. ذکر نقش‌های متعدّد هنر در زمینه‌های مختلف از بحث این مقاله خارج است.

همان‌طور که مختصراً اشاره شد، هنر تأثیر بسزائی بر زندگی انسان‌ها دارد و لکن اغلب تصوّر می‌رود که این تأثیر بیشتر روی افراد است تا بر اجتماع. در این جا من راجع به اهمیّت هنر در جامعه جهانی صحبت خواهم کرد.

### اهمیّت هنر در جامعه جهانی

تعداد کثیری معتقدند که هنر یکی از بزرگ‌ترین عوامل ایجاد وحدت و هماهنگی در دنیاست. هنر مرزی نمی‌شناسد و وسیله‌ای است خلاق برای ایجاد ارتباط و درک بهتر فرهنگ، عادات، رسوم و ارزش‌های مردم سرزمین‌های مختلف. هنر وحدت انسانی را به ما می‌آموزد. حضرت بهاء‌الله در لوحی چنین می‌فرماید: «قوة متفکره مخزن صنایع و علوم و فنون است. جهد نمایند تا از این معدن حقیقی لثالی حکمت و بیان ظاهر شود و سبب آسایش و اتحاد احزاب مختلفه عالم گردد»<sup>۷</sup> همچنین به این موضوع اشاره فرموده‌اند که «اعمال جهد در هنر باعث ایجاد وحدت و آرامش در میان ملل مختلف دنیا خواهد شد» (ترجمه)<sup>۸</sup> حضرت عبدالبهاء بیانی می‌فرمایند که مضمون آن چنین است: برای استقرار وحدت در جامعه جهانی باید از نیروهای خلاقه استفاده کرد.<sup>۹</sup>

هنر وسیله‌ای است برای تجلّی مفاهیم جهانی که تأثیر و نفوذ آن زمان و مکان نمی‌شناسد. یک تابلو نقاشی یا یک قطعه موسیقی می‌تواند طی قرون متمادی بر هزاران نفر تأثیر گذارد. مثلاً نقاشی‌های ورمیر (۱۶۳۲-۱۶۷۵) (Jan Vermeer)، نقاش معروف قرن هفدهم هلند که اخیراً در چندین شهر دنیا به نمایش گذاشته شد، گروه کثیری را به خود جلب کرد. مثال دیگر نیروی هنر

موسیقی موتزارت و بهوون و تاترهای شکسپیر است.

## برنامه‌های مبادله فرهنگی و هنری

در باره اهمیت هنر در تفاهم جهانی مختصراً صحبت کردیم، اما چطور می‌توان این حس هویت مشترک را در سراسر دنیا تقویت نمود؟ یک راه آن از طریق برنامه‌های تبادل هنری می‌باشد که باعث اشاعه هنر در ماورای مرزها می‌گردد.

بنا به گفته فدریکو مایر (Federico Mayor) مدیر کل سازمان یونسکو، تبادلات فرهنگی پس از پایان "جنگ سرد" اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. وی معتقد است که وسایل ارتباطات جمعی جهان را کوچک‌تر کرده و باعث آشنائی ما با آداب و رسوم ملل مختلف شده است. او معتقد است: «عوامل جدیدی در کارند تا فرهنگ‌های گوناگون را در تماس نزدیک‌تری با یکدیگر قرار دهند. تغییرات ناگهانی دنیا موانع کهنه سیاسی را در هم شکسته‌اند. مردم در کمال آزادی سفر می‌کنند. اخبار و اطلاعات آزادانه در کم‌ترین مدت منتشر می‌شوند.» وی معتقد است که پیشرفت‌های کنونی سیاسی و تکنولوژی نویدبخش بهاری جدید در آمیزش فرهنگ‌های گوناگون می‌باشد.<sup>۱۰</sup> در واقع همان طور که ممالک دنیا بیش از پیش به یکدیگر وابستگی پیدا می‌کنند، به همان نسبت نیز باید فرهنگ ممالک مختلف را ترویج دهند تا مردم نه تنها قادر به همزیستی با همسایگان خود باشند، بلکه تفاوت‌های موجود میان خود را هم با دید مثبت بنگرند.

برنامه‌های مبادله فرهنگی و هنری «باعث ایجاد حساسیت بیشتری نسبت به ارزش‌های فرهنگی دیگر شده و آگاهی عموم را نسبت به تاریخ ملی دیگر ملت‌ها افزایش می‌دهد»<sup>۱۱</sup> و بخصوص در کشورهایی که جمعیت آنها از نظر نژادی، قومی و فرهنگی مختلط می‌باشند، اموری ضروری هستند. به طور مثال بر طبق گزارش "سازمان ملی اوقاف هنری" که مؤسسه‌ای دولتی برای پیشبرد هنر در ایالات متحده می‌باشد در این کشور متجاوز از ۱۷۰ گروه قومی زندگی می‌کنند. این گروه‌ها از طریق دسترسی به فعالیت‌های بین‌المللی مانند نمایشگاه‌های هنری و مبادله هنرمندان، با سنت‌های خود و گروه‌های دیگر بیشتر آشنا می‌شوند.<sup>۱۲</sup> طبق نظر همین مؤسسه، رهبران جوامع گوناگون در امریکا معتقدند که «مبادلات بین‌المللی فرهنگی و هنری تجربه‌ای بی‌نظیر برای هنرمندان بوده، باعث بالا بردن اعتبار و موقعیت‌های اقتصادی شهرها گشته، شرکت در بازارهای جهانی را تشویق نموده، و کیفیت زندگی را بهتر می‌نماید.»<sup>۱۳</sup>

یکی از اعضای مجمع اجرائی یونسکو از کلیه دولت‌ها خواسته است که از چنین برنامه‌هایی حمایت کنند و مردم خود را به «آشنائی بیشتر با جامعه بشری تشویق نمایند.» برای نیل به چنین هدفی، دولت‌ها باید مطمئن باشند که ملت‌هایشان خود را جزئی از جامعه گونه‌گون بشری محسوب می‌کنند.<sup>۱۴</sup> بر طبق عقیده وی دولت عامل مؤثری است در اینکه ملت به بالاترین درجه تمدن راه

یابد.<sup>۱۵</sup> زمانی که دولت‌ها به ارزش واقعی تفاوت و چندگونگی عقیده داشته باشند و از آن حمایت نمایند، ملت‌ها می‌توانند به ارزش‌های عمیق‌تری دست یابند.

برای آنکه روشن شود برنامه‌های مبادله هنری چگونه انجام می‌شوند و دارای چه خصوصیتی هستند مثال‌هایی چند در این زمینه ارائه می‌نمایم: ۳ نمایشگاه هنری که بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ در واشنگتن دی سی و سپس در شهرهای دیگر برگزار شد. این نمایشگاه‌ها عبارتند از:

۱- "رویا، افسانه و حقیقت: هنر معاصر سنگال": فوریه تا ژوئن ۱۹۹۳.

این نمایشگاه که از ۶۸ اثر معاصر توسط ۵۰ هنرمند سنگالی تشکیل شد علاوه بر نمایش میراث هنری آن کشور، نمایانگر تغییرات فرهنگ آنها در طول زمان نیز بود.<sup>۱۶</sup> گزارشی در مورد این نمایشگاه این طور بیان می‌کند که «اگرچه آثار این نمایشگاه برخی متأثر از نفوذ اسلامی و برخی دیگر ملهم از نفوذ مسیحی است، لکن در اصل همگی آفریقائی هستند.»<sup>۱۷</sup> سنگال مدعی است که مرکز فرهنگی و عقلانی آفریقای غربی و بهره‌مند از فرهنگ صوفی‌گری می‌باشد. با وجود زد و خورد‌ها، مهاجرت‌ها، و استعمارگری‌های فرانسه، سنگال خود را وابسته به جهان و تمدن غرب می‌داند. برای مثال، آنها معتقدند که نقاشی پشت شیشه که یکی از هنرهای متداول سنگال است از ایران سرچشمه گرفته و توسط جاده‌های بازرگانی و شهرهای قرون وسطای ایتالیا به آفریقای شمالی و غربی راه پیدا کرده است.<sup>۱۸</sup> در این نوع نقاشی، تاریخ و افسانه، سنن و عقائد مردم سنگال از طریق طرح‌های مشخص و رنگ‌های زنده توصیف می‌شود. تیرها و توضیحاتی که در کنار نقاشی‌ها نصب شده بودند، اطلاعات فرهنگی، روحانی و فکری را که الهام‌بخش هنرمندان بودند در اختیار تماشاکننده می‌گذاشتند.

از جمله برنامه‌های جنبی که همزمان با این نمایشگاه برگزار شد، اجرای رقص‌های سنگالی و سخنرانی سفیر سنگال بود. مدارس مختلف از این نمایشگاه بازدید کردند و توضیحاتی در باره تاریخ سنگال، مبادله برده، فروش محصولات، طراحی لباس و هنرهای سنتی این مملکت شنیدند.<sup>۱۹</sup> یکی از روزهای نمایشگاه به نام کشور سنگال بود که در طی آن سازمان‌های مختلف سنگالی برنامه‌هایی در باره فرهنگ مملکت خود ارائه دادند؛ غذای سنگالی و نقاشی پشت شیشه، بافتن موی سر، نمایش زینت‌آلات و رقص جزئی از این برنامه بود.

۲- "پلی برای تفاهم: هنرمندان اسرائیلی و فلسطینی سخن می‌گویند": آوریل تا ژوئیه ۱۹۹۳.

این نمایشگاه شامل ۵۰ اثر هنری توسط ۶ هنرمند اسرائیلی و ۶ هنرمند فلسطینی بود. این گروه هنرمندان در سال ۱۹۸۲ به یکدیگر پیوسته و نمایشگاهی با عنوان صلح به وجود آوردند و هدفشان این بود که «بینند چطور می‌توان تفاهم جدیدی میان ملت‌هایشان خلق کنند و هنر را به عنوان پلی برای ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز با یکدیگر به کار برند.»<sup>۲۰</sup>

برخی از آثار ارائه شده مانند یک نقاشی رنگ و روغن که از یکی از صفحات تورات الهام گرفته

شده بود، مذهبی بود و برخی دیگر سیاسی، اما بیشتر آنها آستره بودند.<sup>۲۱</sup> ناگفته نماند که این هنرمندان می‌خواستند که آثارشان علاوه بر دارا بودن زمینه‌ای هنری، از دیدی سیاسی نیز نگریسته شود. به همین مناسبت در بروشورهای نمایشگاه این موضوع را تأکید نمودند که «هدفشان چه در اسرائیل و چه در کشورهای دیگر این بوده است که روابط میان فرد و عموم و میان سیاستمدار و هنرمند را فرم جدیدی بدهند».<sup>۲۲</sup> این ۱۲ هنرمند پانزده سال پس از آغاز کارشان، هنوز با هم نمایشگاه ترتیب می‌دهند و حتی گاهی بر روی یک تابلو نقاشی می‌کنند. سرپرست یکی از موزه‌ها تعجب خود را چنین ابراز داشت که «هنگام بازدید از نمایشگاه، غیر از موارد بخصوص، نمی‌توان تشخیص داد که کدام اثر پرداخته دست یک اسرائیلی است و کدام اثر متعلق به یک فلسطینی است».<sup>۲۳</sup>

برنامه‌های جنبی این نمایشگاه حاوی کنسرتی از یک موسیقیدان اسرائیلی، فیلمی در باره اورشلیم، قصه گوئی و اجرای رقص‌های محلی بودند.<sup>۲۴</sup> یک شاعر اسرائیلی در برنامه‌ای به نام «شب شعر» اشعار خود را عرضه نمود. هشت تن از هنرمندان دست اندرکار «پلی برای تفاهم» برای افتتاح نمایشگاه به ایالات متحده آمده و برای چندین گروه تماشاگر برنامه‌هایی عرضه نمودند.

این نمایشگاه برای سازمان‌های مختلفی که شرکت داشتند چهارچوبی جهت طرح برنامه‌های فرهنگی و آموزشی به وجود آورد. در یکی از شهرها در زمان نمایش نقاشی‌ها نمایشگاهی برای عرضه کارهای هنری کودکان با عنوان «صلح در سراسر دنیا» در گوشه‌ای در دست تهیه بود؛ در گوشه‌ای دیگر گروه‌های آواز کودکان از یک کنیسه، یک مسجد و کلیساهای کاتولیک و پروتستان به اجرای برنامه مشغول بودند؛ در جایی دیگر سخنرانی توسط سرپرست کل موزه در باره نمایشگاه ارائه می‌شد و همچنین بحثی با عنوان «اسلام، مسیحیت و یهودی» در قسمتی دیگر در جریان بود.

۳- «دورنمای گذرگاه، تحوّل در چشم‌انداز آفریقای جنوبی»: اکتبر ۱۹۹۵ تا فوریه ۱۹۹۶.

۱۱۰ اثر از ۸۰ هنرمند در این نمایشگاه ارائه شد. این نمایشگاه با عرضه خلاقیت هنرمندان، زمینه‌ای برای آشنائی با رویدادهای تاریخی آن کشور از زمان استعمار تا زمان معاصر به وجود آورد. سفیر این کشور در امریکا در باره این نمایشگاه چنین نوشت: «آفریقای جنوبی زیبای ما، با مردم مختلف و سیاست در حال تحوّلش، مصدر الهام برای هنرمندانی عالی‌قدر بوده است... این نمایشگاه که تصویر رنگارنگی از اشکال و تعبیرات فرهنگی گوناگون است انعکاسی از حقایق جدید آفریقای جنوبی می‌باشد».<sup>۲۵</sup>

از لحاظ زمانی این نمایشگاه بسیار بجا و به موقع بود و در واقع اولین برآورد هنری بود که درست در «زمان تحولات عظیم سیاسی و اجتماعی» در سال ۱۹۹۴ قبل از انجام انتخابات آزاد در آفریقای جنوبی برگزار شد.<sup>۲۶</sup>

یکی از برنامه‌های جنبی این نمایشگاه در واشنگتن دی سی سخنرانی سفیر آن کشور تحت عنوان

"آفریقای جنوبی جدید" بود که از فرهنگ، تاریخ، اقتصاد و آینده این مملکت سخن می‌گفت و در پایان همان شب نیز از طرف سفارت برنامه رقص و موسیقی ترتیب داده شده بود.<sup>۲۷</sup> این نمایشگاه در هر شهری که افتتاح شد بازدیدکنندگان متعددی را به خود جلب نمود و برنامه‌های آموزشی آن باعث جلب تعداد بی‌شماری دانش آموز شد. برگزیناری نمایشگاه در یکی از دانشگاه‌ها باعث جلب مقامات دانشگاهی از جمله اساتید متخصص در هنر آفریقا و شرکت آنها در یک گفت و شنود گردید. وسائل ارتباط جمعی با دیدی مثبت نسبت به این نمایشگاه ابراز عقیده نموده و اظهار داشتند که تاریخ، آگاهی فرهنگی، آزادی و آشتی در میان موضوعات تاریخی، سیاسی و فرهنگی بود که در این نمایشگاه از طریق هنر به نمایش گذاشته شده بود.<sup>۲۸</sup>

### اثرات این سه نمایشگاه

اثرات این سه نمایشگاه مانند موضوع آنها و فرهنگ ممالک ارائه‌دهنده متفاوت بودند. در این جا من فقط به آنچه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم منجر به ایجاد تفاهم بیشتر بین کشورها شده‌اند اشاره می‌کنم.

۱- آگاهی از تاریخ ملی: این نمایشگاه‌ها همه جا با خود تاریخ و فرهنگ ممالک خود را به ارمغان آورده و به کمک برنامه‌های فرهنگی و آموزشی مسائل قومی و نژادی را روشن تر ساختند. نمایشگاه آفریقای جنوبی اولین نمایشگاه کشور آفریقای جنوبی آزاد بود که در ایالات متحده برپا شد. هنرمندان آن کشور از طریق این نمایشگاه نه تنها گذشته و حال کشور خود را برای مردم امریکا به نمایش گذاشتند، بلکه امیدشان را برای آینده نیز نمایان ساختند. یکی از منقدین می‌نویسد: «اثر چنین تصاویری برای ما علی‌رغم دوری مسافت محو نیست. تشابه آن را به خاطرات تاریخی خود ما که مملو از کشتار افراد محلی و اسارت سیاهان می‌باشد نمی‌توان انکار کرد.»<sup>۲۹</sup>

۲- تأثیرات اجتماعی: جنبه دیگر، تأثیر اجتماعی این نمایشگاه‌ها می‌باشد. سران کشورها می‌توانند برای مثال تجربه‌ای را که از نمایشگاه "پلی برای تفاهم" کسب شد به عنوان نمونه‌ای برای استفاده از هنر در به وجود آوردن تفاهم به کار برند.<sup>۳۰</sup> هدف این نمایشگاه بر طبق گفته برگذارکنندگان آن، ایجاد حسن نیت میان این دو گروه خاور میانه از طریق استفاده از "زبان بین‌المللی هنر" بود.<sup>۳۱</sup> همکاری هنرمندان اسرائیلی و فلسطینی، عقاید بازدیدکنندگان این نمایشگاه و شرکت‌کنندگان در برنامه‌های جنبی آن را در مورد مسائل خاور میانه تحت تأثیر قرار داد. دیدن و شنیدن هر دو طرف مسأله، باعث روشن شدن بسیاری از مشکلات و رفع سوء تفاهمات برای هر دو گروه گشت. هنگام برپائی این نمایشگاه در ایالت اوهایو، رئیس جامعه یهودیان اظهار داشت که این نمایشگاه برای هر دو گروه «درمانی بود برای دردهای گذشته و نشانی از امید برای آینده.»<sup>۳۲</sup>

شاهد موفقیت این نمایشگاه آنکه جوامع یهودی و فلسطینی نه تنها در طول نمایشگاه، بلکه پس

از خاتمه آن نیز در کنار یکدیگر مجتمع شدند. نمایشگاه هنرمندان اسرائیلی و فلسطینی وسیله‌ای برای بحث و گفتگو در باره هدف عالی صلح گشت.<sup>۳۳</sup> سرپرست یکی از موزه‌های هنری، این نمایشگاه را «یکی از عالی‌ترین رویدادهای تاریخ این موزه» نام برد. یک روزنامه محلی در اوهایو نوشت که از برکت وجود این نمایشگاه، جامعه توانست «نقش کوچک و غیر مستقیمی در جریان صلح میان اعراب و اسرائیل بازی نماید.»<sup>۳۴</sup> احساس برگذارکننده نمایشگاه این بود که تا به حال هیچ نمایش هنری که مؤسسه وی برپا نموده به این اندازه بجا و الهام‌انگیز نبوده است. در زمان نمایشگاه، وی چنین نوشت: «در این روزهای بحرانی در جریان صلح خاور میانه، چنین اقدامات محلی در راه ایجاد وحدتی دوجانبه بسیار بجا و پرمعناست.»<sup>۳۵</sup>

برپائی نمایشگاه آفریقای جنوبی در واشنگتن دی سی باعث جلب بسیاری از افراد سیاه‌پوست، سفیدپوست و گروه‌های دیگر نژادی گشت. در مواردی نمایشگاه برای برخی از افراد بازدیدکننده از نژادهای مختلف توهین‌آمیز جلوه می‌نمود. سرپرست تربیتی و هنری یکی از موزه‌ها در توضیح اقدامات مثبتی که از طرف جامعه آفریقای جنوبی انجام گرفته بود مشکلات برقراری صلح و ایجاد تحوّل در عقاید مردم را توضیح داد و سپس این موضوع را با مسائل نژادی در امریکا مقایسه نمود. به این ترتیب بازدیدکنندگان توانستند مسائل مربوط به اختلافات نژادی را بیشتر و بهتر درک نمایند.<sup>۳۶</sup>

۳- مشارکت در میراث فرهنگی: این نمایشگاه‌ها هر کدام به نوبه خود مردم را با میراث فرهنگی خود آشنا کردند. زمان تشکیل نمایشگاه آفریقای جنوبی حائز اهمیت بسیاری بود چرا که درست با ایامی مصادف شد که میراث سیاه‌پوستان در امریکا و آگاهی آنها از اصل و نسبشان مورد مطالعه و بحث بود.<sup>۳۷</sup>

همچنین خلاقیت هنر سنگالی سهم عظیم فرهنگ آفریقائی را در غنا بخشیدن به فرهنگ جهانی یادآوری می‌کرد. وزیر فرهنگ جمهوری سنگال از مردم امریکا خواست که «هدایای مردم سنگال را به عنوان تعهد آنها نسبت به ارزش‌های جهانی، آزادی، صلح، عشق و مدارا که زیربنای میراث فرهنگ محکم و پر نوسان آنان است پذیرند.»<sup>۳۸</sup>

۴- اثرات آموزشی: هر سه نمایشگاه مورد بازدید بسیاری از مدارس قرار گرفت که ضمن آن اطلاعاتی در مورد تاریخ و سابقه آن کشورها ارائه شد. بازدید از نمایشگاه معمولاً دید دانش‌آموزان را نسبت به مسائل روشن‌تر می‌سازد زیرا نقاشی ترسیم‌گر مناظری از زندگی روزمره و یا تجارب شخصی یک هنرمند است و کودکان در هنگام بازدید از آثار هنری با سؤالات فراوان خود نشان می‌دادند که هنر بر ذهن آنها تأثیر گذارده است.<sup>۳۹</sup>

۵- تفاهم بیشتر: سرپرست گالری ملی هنر در شهر داکار در سنگال در زمان نمایشگاه گفت:

«آرزو و هدف هنرمندان این بود که امید جامعه بشری را با هنرمندان کشورهای دیگر در میان

بگذارند. آنان آمال و آرزو، ترس و بیم خود را به هزار و یک شکل و فرم مختلف ارائه می‌دهند. بیائید آرزو کنیم که آثارشان یادگاری باشد که همواره به ما یادآور شود که ایجاد برادری مأموریت بشری ماست.»<sup>۴۰</sup>

به عنوان مثال دیگر می‌شود نمایشگاه اسرائیل و فلسطین را نام برد. این نمایشگاه نقش مؤثری در ازدیاد تفاهم و ایجاد روابط محکم‌تر میان کشورها ایفا نمود. نمایشگاه آفریقای جنوبی مثال دیگری بود که چطور تفاهم بیشتر روابط را محکم‌تر می‌کند. سفیر آفریقای جنوبی در ایالات متحده چنین گفت:

«از مؤثرترین راه‌های یافتن تفاهم بیشتر در جامعه امروز ایجاد رابطه میان فرهنگ‌های مختلف و جوامع گوناگون می‌باشد. ملت‌ها و جوامع در سراسر دنیا معمولاً تمایل به تفاوت‌های خودپرستانه نژادی دارند، به این دلیل است که درکی عمیق‌تر از تجارب و برداشت‌های ملل دیگر اهمیت بسزائی دارد.»<sup>۴۱</sup>

## نقش فردی

همان طور که در این چند مثال دیدیم هنر، مردم فرهنگ‌های مختلف را به هم نزدیک‌تر می‌سازد. شرکت‌کنندگان در برنامه‌های مبادلات هنری بر نتایج مثبت آن گواهی می‌دهند. نه تنها ملل و مؤسسات گوناگون می‌توانند در چنین برنامه‌هایی شرکت نمایند، بلکه هر یک از ما به عنوان یک فرد نیز می‌تواند سهمی در این مهم داشته باشد.

ما می‌توانیم سطح آگاهی عمومی را نسبت به وحدت عالم انسانی بالا برده و از هنر در این زمینه استفاده نماییم. لودویگ توماس، نویسنده کتاب «آئینه الهی: هنر در جامعه جهانی بهائی» معتقد است که با گذشت زمان نتایج آثار هزاران هنرمند، بخصوص هنرمندان بهائی، می‌تواند به «ظهور جامعه جهانی کمک شایانی نموده و محیطی پر از عقل و احساس ایجاد کند که تمامی مردم خود را به آن وابسته بدانند.»<sup>۴۲</sup> این وظیفه ماست که هنرمندان را کمک و همیاری کنیم.

برگزاری برنامه‌های هنری و آموزش مردم در هنر، تاریخ و سنن فرهنگ‌های دیگر نیز از جمله اموری است که می‌توان انجام داد. ما می‌توانیم از طریق هنر ملت‌های مختلف، اصل وحدت در کثرت را پیش رانیم. ما می‌توانیم به برنامه‌های مبادلاتی هنر اعانت مالی نموده و از آنها حمایت کنیم؛ از هنرمندان، شعراء و موسیقی‌دانان دعوت کنیم تا در مجالس کوچک برنامه‌هایی اجرا کنند و دوستان و همسایگان خود را برای شرکت در این برنامه‌ها دعوت نماییم، زیرا ادبیات، شعر و موسیقی نیز می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد تفاهم و برقراری صلح ایفا کنند. برای ما بهائیان که علم‌داران



وحدت عالم انسانی و تفاهم دنیائی هستیم، استفاده بیشتر از این وسیله حائز اهمیت فراوانی است.

## خاتمه

در خاتمه لازم است یادآور شوم که ما معتقدیم که همه بار یک داریم و برگ یک شاخسار. همنظر با آثار دیانت بهائی، اروین لازلو مشاور علمی رئیس کل سازمان یونسکو، عقیده دارد که «ما همه از یک نوع و یک خانواده» هستیم که در جوامع و فرهنگ‌های متفاوت زندگی می‌کنیم. او این سؤال را مطرح می‌سازد که «آیا ما می‌توانیم به عنوان فردی واحد زندگی کنیم در حالی که تعداد بی‌شماری هستیم؟»<sup>۴۳</sup> پرفسور لازلو این طور نتیجه‌گیری می‌کند که در دنیای پرجمعیت دو انتخاب در پیش داریم؛ یا فقط یک آینده مشترک برای همه وجود دارد و یا اصلاً هیچ آینده‌ای وجود ندارد. آینده مشترک بشریت نمی‌تواند بدون همکاری منتهی به چندگونگی گردد و یا بدون چندگونگی متحد شود. دستیابی به چنین دنیائی مبارزه‌ای است برای بشریت معاصر.<sup>۴۴</sup>

مسئلاً مبادلات فرهنگی و هنری راه حلّ منحصر به فرد و یا پیچیده‌ای برای حلّ اختلافات و کشمکش‌های بین‌المللی نیستند، اما به وضوح قادر به القای خوشبینی لازم جهت ایجاد نظم جهانی و پربنات می‌باشند.<sup>۴۵</sup> تعیین اثرات و نتایج برنامه‌های مبادلات هنری کاری تقریباً غیرممکن است ولی یقیناً این برنامه‌ها باعث ایجاد آگاهی نسبت به تاریخ ملت‌ها شده، تأثیرات بسزائی بر جوامع داشته، روابط سیاسی میان ممالک را تقویت نموده و میزان تفاهم را افزایش می‌دهد.<sup>۴۶</sup> رئیس یکی از مؤسسات مبادلات بین‌المللی چنین نمایشگاه‌هایی را عواملی سازنده در راه از میان برداشتن موانع صلح و تفاهم بین کشورها می‌داند. وی عقیده دارد که از چنین برنامه‌هایی «به عنوان وسیله‌ای مؤثر برای اینکه تحولات امروز فردا هم ادامه پیدا کنند، باید استفاده شود.»<sup>۴۷</sup> مسؤول تشکیل نمایشگاه اسرائیل و فلسطین ابراز داشت که «نمی‌توان اجازه داد که اختلافات گذشته فرصت‌های صلح را در آینده از میان بردارند» و ادامه داد که «ما به عنوان جامعه بشری جدانشدنی هستیم، پس بهتر آنکه بیشترین تلاش خود را در این راه مبذول داریم.»<sup>۴۸</sup> از این فلسفه باید برای تمام جامعه بشری استفاده شود. درک این مهم که «عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن» امری ضروری برای بقای بشریت است.<sup>۴۹</sup>

## یادداشت‌ها

- ۱- نویسنده از همکاری خانم ملاح زبرجدی برای ترجمه کمال تشکر را دارد.
- 2- Roy Shaw, *The Arts and the People* (London: Jonathan Cape, 1987), p. 21.
- 3- 'Abdu'l-Bahá, *'Abdu'l-Bahá in London* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1987), p. 93; and *Bahá'í World Faith*, 2nd ed. (Wilmette, IL: Bahá'í Publishing Trust, 1956), p. 377.
- 4- 'Abdu'l-Bahá, as quoted in Lady Blomfield, *The Chosen Highway* (Wilmette, IL: Bahá'í

Publishing Trust, 1954), p. 167.

5- 'Abdu'l-Bahá, *Selections from the Writings of 'Abdu'l-Bahá* (Haifa: Bahá'í World Centre, 1978), #109, pp. 134-35.

6- Roger White, "Bring Chocolate: Advice from a Poet," *The Language of There*, pp. 79-80.

۷- حضرت بهاء الله، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۳۷ ب، ۱۹۸۰ م)، ص ۴۰.

8- *Bahá'í World Faith*, p. 185.

9- 'Abdu'l-Bahá, *Foundations of World Unity*, 3rd printing (Wilmette, IL: Bahá'í Publishing Trust, 1955), p. 62.

10- Federico Mayor, "Foreword," in Ervin Laszlo (ed.) *The Multi-Cultural Planet: The Report of a UNESCO International Expert Group* (Oxford: Oneworld, 1993), p. ix.

11- Ibid., pp. 2-3.

12- "World Arts: The Guide to International Art Exchange," Washington, D. C.: The NEA Publication, 1995, p. 3.

13- *The NEA 1995 Annual Report*, Washington, D. C.: Government Printing Office, 1996, p. 34.

14- Adamou Ndam Njoya, "A New Ethic for the Public Sector," in Suheil Bushrui, Iraj Ayman & Ervin Laszlo (eds.), *Transition to a Global Society* (Oxford: Oneworld, 1993), p. 84.

15- Ibid., p. 85.

16- Jeff R. Donaldson and Sarita Wardlaw Henry, "Dream, Myth and Reality in Senegalese Art," *Dream, Myth and Reality* (Washington, D. C.: Meridian International Center, 1993), p. 11.

17- Traveling Services Press Release for "Dream, Myth and Reality," Washington, D. C.: Meridian International Center, 1994.

18- David Barrows, "Meridian International Center - Dream, Myth and Reality," Washington, D. C., *In Tower*, Apr. 1993.

19- Susan Mordan, General Manager, Arts Division, Meridian International Center, Washington, D. C., tape interview by author, Feb. 24, 1997.

20- Anne Bendheim, "Building Bridges: Israeli and Palestinian artists collaborate on exhibition," *Mobile Register*, Nov. 24, 1996, (G)1.

21- Ibid.

22- Ibid.

23- Ibid.

24- Mordan, Feb. 24, 1997.

25- Franklin A. Sonn, quoted in *Panoramas of Passage: Changing Landscapes of South Africa* (Washington, D. C.: Meridian International Center, 1995), p. 4.

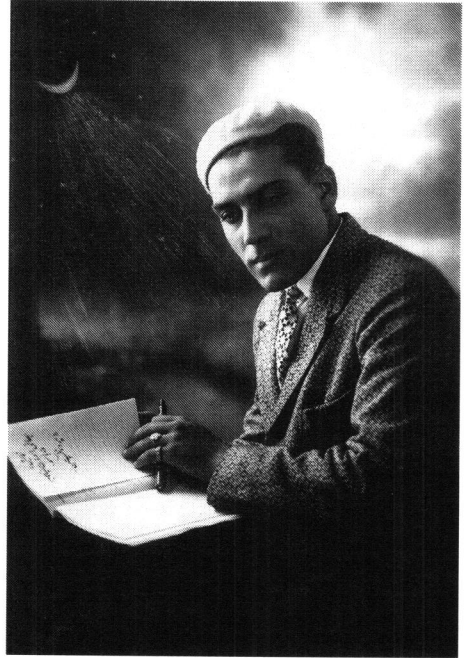
26- Charles Dee Mitchell, "A light on 'dark' nation: Works display both old and new South

- Africa," *Dallas Morning News*, Mar. 30, 1996.
- 27- Mordan, Feb. 24, 1997.
- 28- Owen McNally, "South African art embraces hope for reconciliation," Hartford, CT, *Hartford Courant*, Jan. 26, 1997, (G) 1 and 4.
- 29- William Wilson, "A Connection to Land 'Panorama'," *Los Angeles Times*, Nov. 4, 1996, (F) 4.
- 30- *Meridian International Center Newsletter*, Washington, D. C., 8, no. 1, Winter/Spring 1996, p. 4.
- 31- Wilson J. Liao, "Israelis, Palestinians Collaborate on New Dudley House Art Exhibit," Cambridge, MA, *Harvard Crimson*, Nov. 9, 1994.
- 32- Jinida Ojiiwawh, "Art paints vision of Israel-Palestinian peace," Canton, OH, *Beacon Journal*, Jan. 23, 1996, (AA)1.
- 33- Walter Cutler, President, Meridian International Center, Washington, D. C., interview by author, Washington, D. C., Feb. 13, 1997, tape recording.
- 34- Bret Adams, "Building Bridges brings smiles to area leaders," Canton, OH, *Free Press*, Jan. 21, 1996 (A)1.
- 35- Walter Cutler, quoted in *Meridian International Center Newsletter*, 8, no. 1, Winter 1996, p. 2.
- 36- Mordan, Feb. 24, 1997.
- 37- Walter Cutler, quoted in *Dream, Myth and Reality*, p. 3.
- 38- Moustapha Ka, quoted in *Dream, Myth and Reality*, p. 3.
- 39- Mordan, Feb. 24, 1997.
- 40- McNally, 1997 (See 28 *supra*).
- 41- Lo Marieme Ndiaye, quoted in *Dream, Myth and Reality*, p. 7.
- 42- Ludwig Tuman, *Mirrors of the Divine: Art in the Bahá'í World Community* (Oxford: George Ronald, 1993).
- 43- Laszlo (ed.), *The Multi-Cultural Planet*, p. 183.
- 44- *Ibid.*, pp. 188 and 203.
- 45- Mulcahy, "Cultural Diplomacy: Foreign Policy and the Exchange Programs," in Kevin V. Mulcahy and C. Richard Swaim (eds.) *Public Policy and the Arts* (Boulder, CO: Westview Press, 1982), p. 295.
- 46- Mona Khademi, "The Importance of International Cultural Exchange: Arts Programs of Meridian International Center," Master Thesis, American University, 1997, Chapter 4.
- 47- Cutler, 1996, p. 2 (See 35 *supra*).
- 48- Liao, 1994 (See 31 *supra*).
- 49- Shoghi Effendi, *The World Order of Bahá'u'lláh: Selected Letters*, 2nd rev. ed. (Wilmette, IL: Bahá'í Publishing Trust, 1974), p. 87.

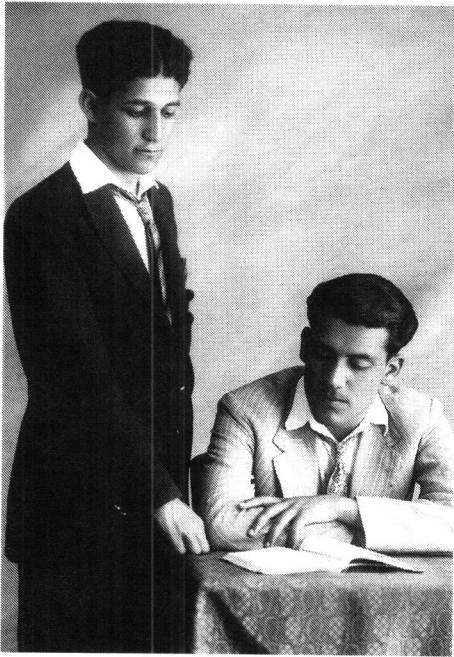
مراحلی از حیات جناب فیضی



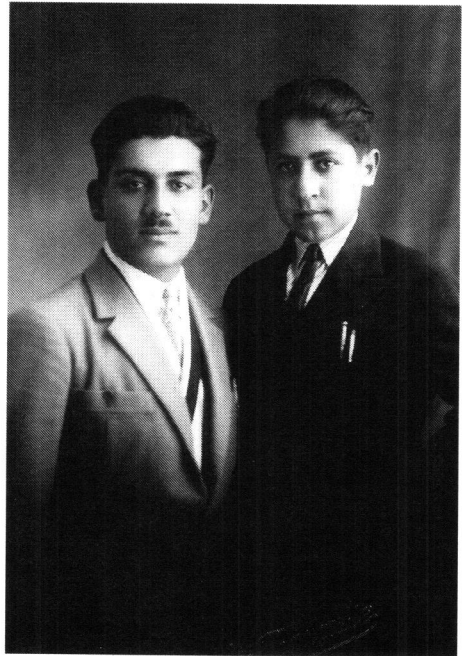
طهران



بیروت



با جناب حسن بالیوزی - بیروت



بیروت